

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال-افغانستان

۰۱.۰۸.۱۰

در افغانستان چه می گذرد؟ (۷۹)

قتل عام مردم در سنگین:

روز جمعه تاریخ ۲۳ جولای، جنگی که میان طالبان و ناتو جریان داشت باعث شد تا عده ای مردم از ساحه جنگ فرار کنند و به جاهای امنی پناه ببرند، چون هردو طرف درگیر (ناتو و طالبان) فاشیست هائی اند که به مردم افغانستان چون مورچه نگرسته و پروای مرگ آنان را ندارند. درین جنگ ۵۲ تن از افراد قریه ریگی این ولسوالی برای نجات خود به جایی ظاهراً محفوظی از منطقه درگیری پناه برده بودند که با فیر راکتی از سوی نیروهای ناتو بر این قریه و اصابت در محلی که این مردم پناه گرفته بودند هر ۵۲ نفر در دم کشته شدند. بعد اجساد این کشته شده ها به وسیله مردم محل به قبرستان انتقال داده شد. درمیان کشته شده ها اطفال و زنان بسیاری نیز دیده می شود. دولت دست نشانده بر اساس گزارش ریاست امنیت ملی این ولایت چنین کشتاری را تأیید کرده، اما سخنگوی والی هلمند می گوید که از چنین کشتاری اطلاع ندارد. سخنگوی نیروهای ایساف در کابل نیز از چنین کشتار و چنین جنگی در ولسوالی سنگین و قریه ریگی در کابل اظهار بی اطلاعی میکند. اما مردم محل اصابت چنین راکتی را بر این جمع تأیید کرده و افراد ناظر درین صحنه نیز با رسانه ها مصاحبه کرده اند. دولت کمیسیونی را برای ارزیابی این حادثه موظف نموده است.

کشتار ملکی ها در افغانستان برای متجاوزان خارجی و فاشیست های طالب به شوخی مبدل شده و مردم افغانستان برای اینان حیثیت مورچه را هم ندارند. روز ۱۸ جولای که طالبان عملیات انتحاری را در جاده میان مکروریان ۳ و ۴ انجام دادند و دران سه نفر کشته و ۴۰ تن دیگر زخمی شدند، آنها همه زحمتکشانی بودند که درین منطقه به جارو کشی، بولانی و ساجق فروشی مصروف می باشند، علواً شاکردان مکتب نیز طعمه این انتحار شدند و از نیروهای اشغالگر فقط دو نفر به صورت سطحی زخمی شدند.

این دو عملیات در ظرف چند روز که ادامه جنایات اشغالگران و فاشیستهای جاهل طالبی اند، طی پنجسال گذشته بی وقفه جریان دارد. طالبان در شهر ها و اشغالگران در دهات کشور به چنین کشتاری بی وقفه ادامه می دهند. طبق احصائیه های رسمی در سال گذشته بیش از ۱۴۰۰ نفر ملکی کشته شده بود که ۶۰ درصد این کشته ها

به وسیله طالبان و ۴۰ درصد دیگر به وسیله نیرو های خارجی صورت گرفت. اما امسال گراف این کشتار نسبت به سال گذشته بیشتر می باشد و جنرالان امریکائی پیش بینی میکنند که امسال جنگ در افغانستان از هرسالی شدید تر خواهد شد و به این صورت امسال این تلفات نسبت به سال قبل چند برابر بیشتر خواهد شد. به این خاطر اکنون در بسیاری از شهر های کشور مردم در رفت و آمد فرزندان شان به مکتب و یا تجمع زحمتکشان بر روی چهار راهی ها تشویش دارند که مبدا در آن منطقه عملیات انتحاری صورت گیرد، کاریکه یکبار در چهار راهی صحیه صورت گرفت و جان شش کارگر گرفته شد و بار دیگر در مرکز ولسوالی دهرآود که بیش از یک صد نفر از زحمتکشان ما جان باختند و درین حمله حتی بینی یک سرباز خارجی خون نشد و سخنگویان طالبان به دروغ کشته شدن رقم بالائی از خارجی ها را اعلان کردند.

حکم شورای وزیران:

روز دوشنبه تاریخ ۲۶ جولای شورای وزیران دولت پوشالی که هر هفته درین روز جلسه دارد، طی حکمی فعالیت های تلویزیون امروز که مربوط به نجیب کابلی است را به علت دامن زدن به اختلافات مذهبی مسدود اعلان کردو تلویزیون طلوع و چینل یک را دستور داد تا برنامه بازی بخت خود را به نمایش نگذارند. تلویزیون امروز که مربوط به نجیب کابلی نماینده در ولسی جرگه میباشد، از مدت ها به این سو با تلویزیون تمدن که مربوط به محسنی میباشد و پول و گردانندگی آن را آشکارا ایران به پیش میبرد، رویارویی هائی داشت. تلویزیون امروز، محسنی را جاسوس و خمینی را شیطان می نامید و به ضد محسنی مصاحبه های بسیاری را پخش میکرد و محسنی را برای گرفتن خواهر مشتاق که یکی از قومندانان محسنی در جنگ بود متهم به قتل او میکرد. چون محسنی این جهادی پیر جنایتکار در دوران جنگهای ضد شوروی که سن او از ۶۰ سال بالاتر بود، خواهر شانزده ساله مشتاق را به زنی گرفت و بعد که مشتاق ازین جریان خبر شد، تصمیم به قتل محسنی گرفت، اما محسنی انوری را که معاون مشتاق بود دستور داد تا مشتاق را به قتل برساند و او هم این کار را کرد. تلویزیون امروز با چند تن از شاهدان آزمان این قضیه را پیگیری کرد. طبق گزارشات رسیده شخص نجیب الله کابلی به علاوه فعالیت استخباراتی برای امریکا یک تن از قاچاقبران معروف مواد مخدر نیز به شمار رفته برای تلویزیون خود از سفارت امریکا کمک می گیرد و یگانه تلویزیونی است که بدون سانسور و انداختن پرده بر خوانندگان غربی، آهنگ های شان را به نشر میسپارد و به این خاطر در میان جوانان از نفوذ بالائی برخوردار است و بینندگان زیادی دارد. کابلی حزبی به نام مشارکت ملی را ساخته تا حال چندین بار ضد ایران به خاطر آب هلمند در کابل تظاهرات وسیعی را به راه انداخته است و حال نیز کاندید ولسی جرگه است. وی با پول گزافی در کاریز میر باغی به نام بوستان کابل را ساخته که خیلی دیدنی است و در طول هفته صد ها خانواده در آن به تفریح میروند و هر جمعه برای خانواده هائی که به این بوستان میروند، کنسرت ترتیب می دهد. این که شورای وزیران بتواند این حکمش را عملی بسازد ضعیف به نظر میرسد، چون از یکطرف سفارت امریکا در پشت سر کابلی قرار دارد، از سوی دیگر کابلی در شمالی نفوذ دارد و از سوی دیگر این حکم ناقض قانون مطبوعات خود دولت پوشالی می باشد که امکان برخورد های رسانه ای میان کرزی و رسانه های افغانستان به وجود می آورد.

سقوط طیاره ناتو:

به تاریخ ۲۶ جولای یک هلیکوپتر دو چرخه نوع چینوک در نزدیکی پلچرخ سقوط کرد که از اثر آن چهار نفر زخمی شدند. این طیاره که در هوا دود از آن بالا می شد برای یک نشست اضطراری در نزدیک پلچرخ که مقر نیرو های ناتو می باشد پائین شد، اما قبل از آنکه بر زمین بنشیند به دیوار قول اردو اصابت کرده چهار تن از سرنشینان آن زخمی شدند. سخنگوی ایساف این سقوط را نقض فنی عنوان کرد، اما سخنگوی طالبان می گوید که نیرو های آنها این هلیکوپتر را در لغمان هدف قرار داده و در کابل سقوط کرده است. هلیکوپتر های چینوک یکی از پیشرفته ترین هلیکوپتر های جهان است که نیرو های امریکائی بیشترین استفاده را در جنگ افغانستان از آنها میکند و تا حال کارائی خوبی برای امریکا و ناتو در زدن اهداف شان برای نابودی پایگاه های طالبان داشته است و مطمئناً سطح فروش آنها در این جنگ بالا تر خواهد رفت. چون افغانستان از محل های است که برای کمپنی های تسلیحاتی امریکا حکم نمایشگاه و لابراتوار را دارد و با آزمایش سلاح هایش به بازار های مهم فروش دست پیدا میکند.

سه افغان کشته شدند:

به تاریخ ۲۶ جولای حینیکه ۶ نفر افغان با یک قاچاقچی ایرانی از مرز میان نیمروز و ایران قصد عبور به خاک ایران را داشتند، بی هیچ اخطار قبلی مورد حمله نیرو های مرزی ایران قرار گرفتند و بعد از اینکه این شش تن به سوی افغانستان دست به فرار زدند، سه تن آنان زخمی و سه تن کشته شدند. اجساد سه کشته با سه زخمی به مرز میان افغانستان و ایران به پوسته مرزی افغانها تحویل داده شد. سه زخمی بعد از مداوی در شفاخانه زرنج رخصت شدند، اما اجساد تا روز دیگر درین شفاخانه نگهداری شده و از خانواده های شان درکی نشد.

ایران در سه ماه اخیر منطقه سیستان و بلوچستان خود را منطقه ای اعلان کرد که نباید هیچ افغانی در آن حضور داشته باشد و نه در این منطقه گشت و گذار نمایند. اما چون راه های غیر ازین منطقه برای رفت و آمد مهاجران نامناسب میباشد، لذا بیشتر افغانها با دادن پول زیاد به قاچاقچیان ازین مرز عبور و مرور میکنند. این سه زخمی مدعی اند که قاچاقچی قبلاً با پاسگاه ایرانی ساختگی کرد و پول تحویل داد، اما با آنها بدون هیچ اخطار قبلی افراد پاسگاه شلیک کرد و سه افغان را به قتل رساندند. اینکه نیرو های مرزی ایران کسی را اجازه ورود به خاک ایران ندهند، مربوط خود شان است، اما اینکه بدون کوچکترین اخطاری آتش کنند و جان افغانها را بگیرند، همان برخورد های فاشیست پاسداران ایرانی است که نسبت به افغانها هرگز دریغ نمی ورزند.

جنگ میان طالبان و حزب اسلامی:

طالبان و حزب اسلامی با اینکه در ابتدای ظهور طالبان درگیری های مختصری داشتند، اما به زودی طالبان گلم حزب اسلامی را از سر تا سر افغانستان برچید، اما ظهور بار دوم طالبان در ۲۰۰۴ نوعی رابطه میان طالبان و حزب اسلامی را به وجود آورد چون هردو خود را مخالف حضور خارجی ها در افغانستان وانمود میکردند و حزب اسلامی در آن زمان تلاش هائی را انجام داد تا در اتحاد با طالبان قرار بگیرد اما طالبان این را نپذیرفتند و هردو به صورت جداگانه در جنگ علیه خارجی ها شروع کردند. اما طالبان به عنوان یک نیروی قوی تر و برتر در سر تا سر افغانستان عمل کرده در حالیکه حزب اسلامی در مناطق محدودی نفوذ پیدا کردند. اینان تا حدی در مبارزه به ضد خارجی ها بین هم همکاری نیز میکردند، اما از جاییکه این دو نیرو خود خواه، جاهل و فاشیست اند، از همان روز های اول معلوم بود که این دو نیرو در کنار هم کار کرده نمیتوانند و به این خاطر چند ماه قبل میان

آنها در کندز درگیری سختی به وقوع پیوست و نیرو های طالبان در ظرف نیمی از روز قادر شدند که نیرو های حزب اسلامی را از این ولایت بیرون کنند. درین درگیری حزب اسلامی ۴۰ کشته داد و قومندان آن فراری و بیش از هشتاد نفر از این نیرو ها به دولت پناه برد و حال این تسلیم شده ها در خدمت نیرو های خارجی قرار دارند و در مخالفت با طالبان کوشش میکنند تا پایگاه های آنها را نشان بدهند. تا حال چند بار نیرو های خارجی ازین کار تسلیم شده های حزب اسلامی یاد آوری کرده و آنان را مورد ارج و تفقد قرار داده که کار شان را به ضد گروپ های طالب به خوبی به پیش میبرند.

در ست این همان کاریست که حزب اسلامی در دوران اشغال شوروی با نیروهای مخالف حز انجام می دادند. درین میان از یک هفته به اینسو جنگ میان نیروهای حزب اسلامی و طالبان در ولسوالی نرخ ولایت میدان وردک با وقفه ها اما به شدت ادامه دارد و این درگیری زمانی شروع شد که یکتن از قومندانان طالب به نام قاری احمد شاه توسط افراد نا معلومی به قتل رسید و طالبان عامل این مرگ، حزب اسلامی را دانسته و بر مرکز آن حمله کرد. جنگ درین هفته در قریه های توکرک، عمرخیل و دادل ادامه داشته و هنوز جریان دارد. طرفداران حزب اسلامی درین جنگ ادعا کرده اند که ۱۶ طالب را کشته و ۲۰ تن دیگر را زخمی کرده است و طالبان از لوگر، غزنی و قلات نیرو های خود را به این ولسوالی آورده و روز تا روز شدت جنگ بیشتر می شود.

این جنگ در فاصله هشت کیلومتری مرکز ولسوالی ادامه دارد و دو طرف در تپه های کنار مرکز نیرو های خارجی جابه جا شده اند، در جریان جنگ نه نیرو های دولت دست نشانده و نه نیروهای خارجی در ظاهر مداخله می کنند و فقط گفته می شود که وقتی جنگ تشدید یافت، هلیکوپتر های ناتو بر فراز جنگ پرواز کرده و جنگ را از بالا معاینه میکنند و هیچگونه مداخله ای نمیکند. برخی از مردم محل میگویند که نیرو های خارجی درجریان درگیری به نیرو های حزب اسلامی که حال نسبت به طالبان ضعیف تر و از امکانات کمتری برخوردار است، مهمات می رسانند و به این صورت تنور جنگ میان این دو را روشن نگه میدارند.

امکان اینکه حزب اسلامی بتواند درین جنگ در مقابل طالبان پایداری نشان دهد ضعیف به نظر می رسد. چون طالبان قادرند که علاوه به نیرو های طالب، از نیرو های جنگ دیده عرب نیز درین جنگ استفاده کنند. مهم این است که درین جریان برخورد گروه حقانی چه خواهد بود و چون آی اس آی فعلاً نسبت به حزب اسلامی نیرو های طالب را بیشتر حمایت و تقویت میکند و چون روابط گروه حقانی با آی اس آی بسیار نزدیک است، لذا فکر نمیشود که گروه قوی و قهار حقانی در کنار حزب اسلامی ایستاد شود، مخصوصاً که این گروه عامل قتل نصرالله منصور یکی از رهبران فکری خود، حزب اسلامی را میدانند.

گروپ های بیشتر حزب اسلامی امکان دارد که در وردک و جاهای دیگر باز هم به دولت و خارجی ها بپیوندند و خارجی ها ازین گروه که در جاسوسی و خدمت به بیگانگان از سی سال به اینسو مصروف اند، بیشتر استفاده کنند، مخصوصاً که همین حالا بیشترین بخش حزب اسلامی با دولت همکاری دارند و وزیر اقتصاد دولت به نام هادی ارغندیوال ازین حزب می باشد.

خانواده های عساکر کشته شده در بغلان:

هفته گذشته یک گروپ از پولیس دولتی در ولسوالی دهنه غوری در محاصره طالبان در آمدندو این گروپ که ساعت یازده شب به محاصره کشانده شدند تا فردا ساعت یازده روز جنگیدند، اما بعد از خلاص شدن مهمات در اسارت طالبان در آمدند و طالبان همه آنها را تیر باران کردند. این محاصره درحالی صورت گرفت که جنگ در

۲۰ کیلومتری مرکز بغلان رخ داد و در حالیکه صد ها نیروی پولیس ، اردو ، ایساف و امنیت درین شهر وجود داشت و بارها این نیروی محاصره شده از آن ها خواهان کمک شدند، اما احدی برای کمک نجیبیدند و چنان شد که همه به قتل رسیدند. فامیل های این قربانیان روز ۲۵ جولای گرد آمده و از دولت و نیرو های آن شکوه داشتند، اما کسی حاضر نشد که به سؤالات آنها پاسخ بگوید این قضیه نشان داد که نیرو های دولت پوشالی چقدر به خود اندیش اند و حاضر نیستند که در ۲۰ کیلومتری به داد همجنسان خود برسند.

۱۰۰ مخالف از زندان آزاد شدند:

به دنبال طرح دولت و خارجی ها برای پیشبرد صلح با طالبان اینک ۱۰۰ زندانی دیگر طالبان هم رها شد. در جریان برگزاری به اصطلاح جرگه مشورتی صلح به تصویب رسید تا برای حسن نیت برخی از افراد وابسته به طالبان از زندان ها رها شوند و درین حال در افغانستان دو زندان بزرگ برای محافظت زندانیان وجود دارد که یکی پلچرخ و دیگری زندان بگرام است که به زندان پروان مشهور شده است. گروپ بر رسی دوسیه های افراد طالب از سوی کمیسیونی که از طرف وزارت عدلیه تعیین شده نشان میدهد که بسیاری از زندانیان این دو زندان ماه ها بی سرنوشت درین زندانها به سر برده است و حال با "حسن نیت کرزی" رهائی می یابند.

برگم탈 و جنگ طالبان:

ولسوالی برگم탈 که در انتها علیه دره کامدیش قرار دارد و از آن به بعد پامیر آغاز می شود، منطقه بسیار مهم ستراتیژیک بوده که پوشیده از جنگل و کوهستانی میباشد. این ولسوالی از طریق دره ممريت به چترال وصل می شود و برای طالبان پاکستانی و افغانی بسیار مهم است. با اینکه اکنون اکمال ولسوالی توسط نیرو های امریکائی از هوا صورت میگیرد اما تلاش دولت این است که این ولسوالی را همیشه در کنترل خود داشته باشد و امریکائی ها نیز درین مورد حساس میباشند. زیرا اگر نیرو های طالب درین منطقه مستقر شوند قادر خواهند شد که به زودی ولایت بدخشان را تهدید کنند. همچنان برای طالبان پاکستانی که این منطقه به چترال ، دیر و سوات وصل می شود، بسیار اهمیت دارد و در صورتیکه آنرا برای دایم تصرف کرده بتوانند، جای امنی برای شان میتواند باشد و حتی نیرو های القاعده را هم میتوانند در آن جا به جا بسازند. در حمله اخیری که طالبان داشتند برای یک روز قادر به تصرف این ولسوالی شدند ، چند پولیس دولت کشته و چند تن دیگر زخمی شدند. طالبان درین ولسوالی ۱۲۰ خانه را آتش زدند و بعد از یک حمله متقابل نیرو های اردوی دولت دست نشاندۀ دوباره عقب نشینی کردند و این سومین بار است که بر سر تصرف این ولسوالی میان نیرو های طالب نیرو های خارجی و اردوی افغانستان درگیری شدیدی رخ می دهد.

تا جائیکه تجارب جنگ ضد روسی نشان داد است این دست به دست شدن، اگر از یک سو باعث کشتار، ویرانی و نفرت مردم از هر دو طرف جنگ می گردد، از جانب دیگر امکان معاملات و تبادل پول را نیز زیاد می نماید. آنها به شکلی که دو طرف جنگ از باداران و تمویل کنندگان جنگ برای هر بار تصرف پول اخاذی می نمایند.

شعار مرگ بر امریکا در مکرویان ۴:

به دنبال حادثه ترافیکی که در روز جمعه به ساعت ۲ و ۴۵ بعد از ظهر در منطقه مکرویان رخداد و ضمن آن به اساس برخورد جنایتکارانه و غیر انسانی سربازان امریکائی ۴ تن از هموطنان ما جان باختند، مردم محل دست به

اعتراض زده و این عمل سربازان ارتش اشغالگر را محکوم نمودند. جنایتکاران ناتو و در رأس همه سربازان امریکائی که جان باشندگان افغان نزد آنها بی ارزشتر از پرکاه می باشد، به این اعتراض ساده با گلوله پاسخ گفته عده بیشتری را زخمی و مقتول ساختند. وقتی مردم به چنین درنده خوئی قوای اشغالگر برخوردند بیشتر از آن تحمل نتوانسته با سنگ و چوب به آن جنگ نابرابر ادامه داده موثری را که از قوای اشغالگر در منطقه وجود داشت به آتش کشیدند. پولیس رژیم مزدور که علت وجودی اش به مانند تمام نهاد های اداره مستعمراتی دفاع از حاکمیت استعماری و سرکوب مردم می باشد و با پول امریکائی ها به این سروسامان رسیده اند، اهانت به امریکائیان را تحمل نتوانسته به کمک بادران خود شتافتند. در نتیجه بعد از فرار سربازان امریکائی برای مدتی جنگ بین مردم با دستان خالی و نوکران زرخرید استعمار که مسلح به سلاح های گرم بودند و با بیرحمی یک جنایتکار حرفه ئی از آن استفاده می نمودند، ادامه پیدا کرد.

اینکه تعداد تلفات مردم در این درگیری به چه تعداد بوده دقیق معلوم نیست، مگر آنچه روشنتر از روز بود فرار مفتضحانه سربازان اجنبی و تنها گذاشتن مزدوران در میدان جنگ بود.

مردم در همانجا ضمن دادن شعار های مرگ بر امریکا و مرگ بر ناتو با صراحت می گفتند: سر انجام آن روز خواهد رسید که تنها ما(مردم) بمانیم و شما(سربازان و پولیس دولت دست نشانده). در آن روز به شما سگ های زنجیری امپریالیزم نشان خواهیم که مجازات خاین وطن، در فرهنگ افغانی چه معنا دارد.